

Research Paper

An Evolutionary Spiral Approach to the Realization of the Islamic-Iranian Model of Progress; Pathology of Existing Approaches and Suggestion of Alternative Approach



*Masood Alamineisi¹

1. Department of Cooperation & Social Welfare, Faculty of Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Alami Neisi, M. (2021). [An Evolutionary Spiral Approach to the Realization of the Islamic-Iranian Model of Progress; Pathology of Existing Approaches and Suggestion of Alternative Approach (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(40), 252-277.



Received: 04 Jul 2020

Accepted: 06 Jul 2021

Available Online: 01 Nov 2021

Keywords:

Islamic-Iranian Model of Progress, Evolutionary Spiral Approach, Enlightenment Era

ABSTRACT

An analysis of the statements and writings of officials and thinkers about the Islamic-Iranian Model of Progress (IIMP) shows most of them believe steps must be taken secretly and behind each other to achieve this model. The first step is to compile all the elements of Islamic-Iranian philosophy. The second step is to form the components of Islamic-Iranian science based on this philosophy. The third step is to realize the Islamic-Iranian technology based on this science. Steps are being taken to shape Islamic-Iranian culture and civilization. But a study of the history of human civilizations shows that this view is incompatible with the evolutionary nature of society, and that no human society has ever followed such a path. An alternative approach is the spiral approach of realizing the IIMP. In this approach, movement begins in all areas; Whether in philosophy, science, etc., the movement begins in a new axis, and it does not begin with one of them. These areas have a spiral motion in their evolution. That is to say, Islamic-Iranian philosophy is like a puzzle whose pieces has been made and completed at different times, and after a long time, a picture called Iranian Islamic philosophy has been completed and known by this nature. And in addition to making pieces of philosophy, pieces of science, technology, industry, etc. are made at the same time. The third characteristic is all these areas affect each other, and any action in any area affects the next steps in other areas.

* Corresponding Author:

Masood Alamineisi, PhD.

Address: Department of Cooperation & Social Welfare, Faculty of Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

E-mail: masood_alami@yahoo.com

مقاله پژوهشی

رویکرد ماریجک تکاملی به تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ آسیب‌شناسی رویکردهای موجود و پیشنهاد رویکرد جایگزین

* مسعود عالمی نیسی^۱

۱. گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۵ تیر ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

بررسی و تحلیل گفته‌ها و نوشته‌های مسئولان و اندیشمندان در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نحوه تحقق آن نشان می‌دهد که عمده آن‌ها به این امر معتقدند که برای تحقق این الگو گام‌هایی را باید طی کرد و این گام‌ها باید پشت سر یکدیگر طی شوند. گام اول، تدوین همه عناصر فلسفه اسلامی ایرانی است. گام دوم، شکل‌گیری مؤلفه‌های علم اسلامی ایرانی، مبتنی بر این فلسفه است، گام سوم، تحقق فناوری اسلامی ایرانی مبتنی بر این علم است و به همین ترتیب این گام‌ها طی می‌شود تا فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی شکل بگیرد، اما بررسی تاریخ تمدن‌های بشری و حتی تمدن غربی نشان می‌دهد که این نگاه با طبیعت تکاملی جامعه سازگار نیست و هیچ‌یک از جوامع انسانی چنین راهی را نپیموده‌اند. رویکرد جایگزین، رویکرد ماریجکی تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. در این رویکرد، حرکت در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها شامل فلسفه، علم، حقوق، سیاست و... با هم آغاز شده و حرکت در محوری نوین شروع می‌شود و این‌طور نیست که از یکی از این حیطه‌ها آغاز شود. مهم آن است که فضایی متفاوت سرتاسر جامعه را فرا می‌گیرد. این حیطه‌ها در تکامل خود حرکت ماریجکی دارند، یعنی فلسفه اسلامی ایرانی به مانند پازلی است که تکه‌های آن در مقاطع زمانی متفاوت ساخته و تکمیل می‌شوند و پس از گذشت زمان طولانی، تصویری به نام فلسفه اسلامی ایرانی کامل شده و با این ماهیت شناخته می‌شود. در لایه‌های ساخته شدن بخش‌های فلسفه، علم، فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست و... نیز به طور هم‌زمان ساخته می‌شوند. ویژگی سوم آن است که همه این حیطه‌ها و حوزه‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و هر اقدامی در هر یک از ساخت‌ها، بر اقدامات بعدی سایر ساخت‌ها اثر می‌گذارد. با رویکرد قبلی، مأموریت حکومت، حمایت از عده‌ای است تا فلسفه اسلامی ایرانی را تدوین کنند و به اتمام رسانند و بعد عده‌ای را برای علم اسلامی ایرانی و همین‌طور الی آخر. بدین ترتیب نگاه پروژه‌ای به موضوع وجود دارد که کارفرمای آن حکومت است، اما در این رویکرد وظیفه حکومت راه انداختن آن حرکت و جنبش و جوش متفاوت در جامعه است و پس از به وجود آمدن آن حرکت نوین، ایجاد هماهنگی و هدایت آن است.

کلیدواژه‌ها:

الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت، رویکرد
ماریجک تکاملی، عصر
روشنگری

* نویسنده مسئول:

دکتر مسعود عالمی نیسی

نشانی: تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه تعاون و رفاه اجتماعی.

پست الکترونیکی: masood_alami@yahoo.com

مقدمه

تعریف مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اصطلاح «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مفهومی است که بیشتر با تأسیس مرکزی با همین عنوان و مأموریت رواج پیدا کرد، اما پیش از آن مجادلات و محاوره‌های علمی و رسانه‌ای پرسابقه‌ای در این خصوص وجود داشته بود. در تمام مباحث «علم دینی»، «بومی‌سازی علوم انسانی»، «الگوی بومی توسعه»، «اقتصاد اسلامی»، «دانشگاه اسلامی»، «علوم اجتماعی اسلامی»، مناقشه «رجحان مفهوم توسعه یا پیشرفت» و مانند آنها، موضوع گفت‌وگوها میان دو طیف است.

طیف اول معتقد است، توسعه برای هر کشور و جامعه‌ای، از جمله ایران دارای شرایط متفاوت بوده و مکانیسم‌های خاص خود را دارد. طیف دوم معتقد است توسعه دارای مکانیسم‌های جهانی و یکسان برای همه کشورها، از جمله ایران است و ما باید از آنها تبعیت کنیم.

درواقع، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از اشکال رسمی انعکاس تفکرات و ایده‌آل‌های طیف اول است. در سال‌های گذشته، نمودهای دیگری نیز ایجاد شده است، از جمله می‌توان به تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات سمت، فرهنگستان علوم اسلامی، سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، کرسی‌های نظریه‌پردازی و مانند آنها اشاره کرد.

تعریف مفاهیم به دو روش استقرایی و قیاسی انجام می‌شود. بر اساس توضیحات فوق، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیش از آنکه مفهومی قیاسی و نظری باشد، مفهومی استقرایی است که بیانگر فضای مفهومی معتقدات و اندیشه‌های طیف اول است. هرچند اندیشه‌ورزان مختلفی تلاش کرده‌اند

چند سالی است که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یکی از اولویت‌های نظام در کشور مطرح شده است. به طور طبیعی هدف از طرح آن، صرفاً اندیشه و گفت‌وگو پیرامون آن نبوده و هدف، تحقق واقعی و رسیدن کشور به آن مطلوب است. این، هدفی بزرگ و درازمدت است و نمی‌توان در زمان کوتاهی انتظار تحقق آن را داشت، اما نوع جهت‌گیری و آغاز حرکت اندیشمندان، دانشگاهیان، نهادها، پژوهشکده‌ها، سازمان‌ها و... می‌تواند نشان‌دهنده عدم تحقق یا نویددهنده تحقق آرزوهای کنونی باشد؛ بنابراین توجه به این آغاز و ارزیابی و اصلاح آن می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

یکی از مهم‌ترین مباحث نقطه آغاز حرکت، مباحث مربوط به چگونگی و روش تحقق الگوی اسلامی ایرانی است. آیا روش یا روش‌های کنونی اتخاذشده توسط اندیشمندان و دست‌اندرکاران امر می‌تواند ما را به تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نزدیک کند؟ در صورت پاسخ منفی، آیا رویکرد کلی حاکم بر این روش‌ها از علل تعیین‌کننده عدم توفیق آنها است؟ درواقع، پرسش این است که رویکرد روش‌های کنونی چه نقاط ضعفی دارد و چرا قادر به تحقق آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیست؟ پرسش بعدی آن است که رویکرد جایگزین چیست؟ و چرا آن را مناسب می‌دانیم؟

برای پاسخ به این سؤالات در این مقاله سعی کرده‌ایم رویکرد کنونی مباحث پیرامون روش و چگونگی رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را نقد و ارزیابی کنیم و آنگاه پس از بررسی نمونه‌های تاریخی تحولات تمدنی، رویکردی جایگزین را درخصوص مسیر تحقق پیشنهاد کنیم.

۱. مروری بر دیدگاه‌های نظری روش تحقیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مباحث متنوعی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طی سال‌های اخیر مطرح شده است. در اینجا به طور خاص کارهایی را مرور می‌کنیم، که پیشنهادی در خصوص چگونگی و روش تحقق الگو مطرح کرده باشند. از آنجا که پیشرفت، حاوی ابعاد مختلف در حوزه‌های مختلفی چون، علم، اقتصاد، صنعت و... است، مطالعات مورد بررسی هم هر یک جنبه‌ای از آن را مطرح نظر قرار داده‌اند. در این مجال کوتاه نمی‌توان همه این آثار را بررسی کرده و به برخی از آن‌ها به عنوان نمونه اکتفا می‌کنیم.

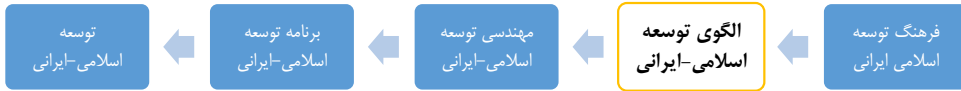
الگوی مهندسی فرهنگی علم: پیروزمند مفهوم مهندسی فرهنگی علم را برای تولید علم اسلامی طرح کرده است. وی در مقاله خود سه نوع متغیر را برای الگوی مهندسی فرهنگی علم مطرح می‌کند: (۱) متغیرهای ارکان (تولید، عرضه و بهره‌وری علوم)، (۲) متغیرهای سطوح (مبانی، روش‌ها و نظریه‌ها) و (۳) متغیرهای آثار (فرهنگ فرهنگ، فرهنگ سیاست، فرهنگ اقتصاد) (پیروزمند، ۱۳۸۸: ۲۸).

اهمیت و میزان تأثیرگذاری در هر کدام از انواع متغیرها به ترتیب عنوان شده است، یعنی مثلاً در متغیرهای ارکان تأثیرگذاری و اهمیت تولید بیش از عرضه و عرضه بیش از بهره‌وری در علوم است، اما برای تصرف در علوم و مهندسی کردن آن‌ها، اولویت‌ها برعکس می‌شود و به عنوان مثال در متغیرهای ارکان ابتدا باید در بهره‌وری، سپس در عرضه و آن‌گاه در تولید علوم تغییرات لازم را فراهم کرد (پیروزمند، ۱۳۸۸: ۳۳). بدین ترتیب او نیز حرکت سری و متوالی برای اصلاح علم و فناوری را ضروری می‌داند، اما به عکس دیگران، این

که تعریفی علمی برای آن ارائه کنند و طبیعی است که برای روشن‌تر شدن الگو، باید به این سمت حرکت کرد. به عنوان نمونه در سایت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نقل از میرمعزی این الگو را پس از تبیین واژگان، این گونه تعریف می‌کند: «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد.»

اما همان‌طور که گفته شد مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حال شکل‌گیری است و سند الگو تنها یکی از صورت‌بندی‌های آن است؛ بنابراین، نه تنها این تعریف، بلکه هیچ تعریف مورد اجماع را از این الگو نمی‌توان یافت. البته حتی در مورد الگوی تمدن غربی، هم نمی‌توان چنین اجماعی را پیدا کرد؛ بنابراین اکنون در خصوص مفهومی سخن می‌گوییم که بیش از آنکه صلب، تعیین‌یافته و پایان‌یافته باشد، از اندیشه‌های در حال تطور و تکامل و دگرذیسی صحبت می‌کنیم که در حال اندیشیده شدن است.

پرداختن به جنبه مفهومی این اصطلاح تلاش علمی جداگانه‌ای می‌طلبد، کما اینکه در مقالات کنفرانس دوم و سوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این تلاش صورت گرفت، اما فی‌الجمله برای آنکه مبنایی برای ادامه مقاله داشته باشیم، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تعریف میرمعزی را برمی‌گزینیم.



تصویر ۱. فرایند علمی دست‌یابی به توسعه اسلامی

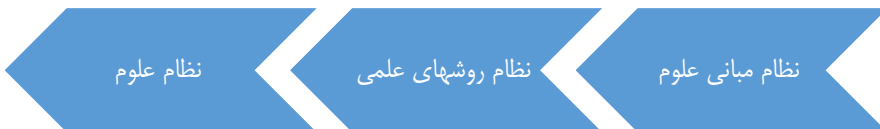
الگوی حکمی اجتهادی: الگوی حکمی اجتهادی، الگوی پیشنهادی خسروپناه برای تولید علوم انسانی اسلامی است. الگوی حکمی اجتهادی پنج رکن شامل نظام فلسفی اسلام، نظام انسان‌شناسی اسلام، نظام ارزشی اسلام، نظام مکتبی (رفتاری و اجتماعی) اسلام و نظام روش‌شناختی اسلام دارد (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۲۹).

از نظر خسروپناه این پنج رکن برای به وجود آوردن علوم انسانی اسلامی از یک توالی و سلسله مراتب منطقی پیروی می‌کنند. نظام فلسفی اسلام در دو مرتبه فلسفه پایه^۱ و فلسفه مستنتج^۲ در صدر سلسله قرار دارد. نظام فلسفی اسلام به نظام ارزشی (توصیه انسان بایسته) و نظام انسان‌شناختی عام و انسان‌شناختی خاص (توصیف انسان شایسته عام و خاص) می‌انجامد. نظام حقوقی و فقهی و نظام اخلاقی و عرفانی از نظام ارزشی اسلام و انسان

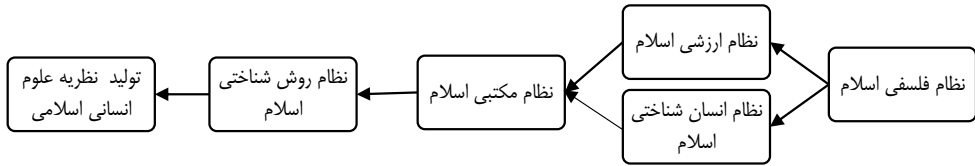
توالی را از حوزه‌های عملیاتی و قابل تغییرتر به حوزه‌های مبنایی می‌دانند. در مقاله دیگر در سال ۱۳۹۲، الگوی توسعه اسلامی را جزء زنجیره‌ای از گام‌ها می‌داند که تصویر شماره ۱ خلاصه آن را نشان می‌دهد (پیروزمند، پیش‌آمد و پس‌آمد الگوی توسعه اسلامی، ۱۳۹۲).

هر گام پیش‌نیاز گام بعدی در نظر گرفته شده، یعنی پیش‌نیاز تحقق الگوی اسلامی ایرانی، فرهنگ توسعه اسلامی ایرانی است. پس از تدوین الگو، باید چند گام دیگر تا تحقق خود توسعه اسلامی ایرانی برداشته شود، اما اصلاح فرهنگ توسعه نیازمند سه گام اساسی و البته متوالی ذیل است (همان، ۴۶ تا ۵۰). نقطه عزیمت در اصلاح فرهنگ توسعه، ایجاد تغییر در نظام مبانی علوم است که نویسنده تأکید ویژه‌ای بر علوم اجتماعی دارد؛ بنابراین به نوعی نقطه آغاز حرکت برای تدوین الگوی توسعه اسلامی ایرانی و تحقق آن، در کل روند تصویر شماره ۲، از تحول در نظام مبانی علوم دانسته شده است. برداشت اینجانب از مقاله این است که تا این مبانی متحول نشوند، اتفاقی در سایر مراحل نمی‌افتد.

۱. فلسفه پایه شامل فلسفه هستی، فلسفه معرفت، فلسفه انسان و فلسفه دین است (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۵۹).
۲. فلسفه مستنتج شامل فلسفه اخلاق، فلسفه حق، فلسفه اقتصاد، فلسفه زبان، فلسفه فناوری، فلسفه هنر و امثال آن است (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۵۹).



تصویر ۲. گام‌های اصلاح فرهنگ توسعه اسلامی ایرانی



تصویر ۳. گام‌های منطقی الگوی حکمی اجتهادی

یک فرایند دارای چند گام می‌بینند که این گام‌ها به ترتیب باید طی شوند و تا گام اول طی نشود، نمی‌توان به سراغ گام دوم رفت. هر کدام از نظریه‌ها، ممکن است گام‌های متفاوتی را تعریف کرده باشند، اما محتوای گام‌ها در اینجا مدنظر نیست، بلکه الزام به توالی زمانی میان آن‌ها مورد توجه است، یعنی آنچه این نظریه‌ها مورد تأکید قرار می‌دهند و یا حداقل از آن‌ها استفاده می‌شود، آن است که جامعه و نهادها و بازیگران مختلف پیشرفت، ابتدا گام اول را طی کنند و آن را به اتمام برسانند تا بعد بتوانند وارد گام دوم شوند و همین‌طور گام‌های بعدی (تصویر شماره ۴).

سؤال این است که آیا در عالم واقع و عمل، تمدن‌های بشری چنین مسیری را طی کرده‌اند؟ در ادامه می‌خواهیم به عنوان نمونه، مروری بر تاریخ تحولات تمدن غربی داشته باشیم و به این سؤال پاسخی اولیه بدهیم.

۲. روش‌شناسی پژوهش

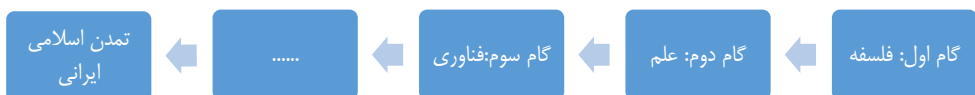
هدف، استخراج الگوی پیشنهادی حاکم بر تکامل تمدن‌ها و ارزیابی الگوهای نظری گام به گام در

اجتماعی و انسان سیاسی و انسان تربیتی و انسان اقتصادی و انسان حقوقی نیز از نظام انسان‌شناختی اسلام استخراج می‌شود. [با] توصیف انسان شایسته و توصیه انسان بایسته به مکتب رفتاری و اجتماعی اسلام (نظام مکتبی اسلام) دست می‌یابیم.

نظام روش‌شناختی اسلام با هرمنوتیک اجتهادی در مرتبه بعد قرار دارد که با شرایط خاصی توان توصیف انسان تحقق‌یافته را به پژوهشگر می‌دهد و نظریه‌های علوم انسانی را تولید می‌کند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۵۹ و ۶۰). این توالی منطقی در تصویر شماره ۳ خلاصه شده است.

برداشت نگارنده از توالی منطقی این پنج رکن و کل مطالب مقاله آن است که هر نظامی برگرفته از نظام یا نظام‌های مربوط به گام قبلی است؛ بنابراین در عمل نمی‌توان انتظار داشت پیش از به وجود آمدن نظام مکتبی اسلام، نظام روش‌شناختی آن را به دست آورد. از این رو نوعی توالی زمانی بر این نظام‌ها حاکم است.

آنچه میان این دیدگاه‌ها مشترک است، آن است که چگونگی رسیدن به پیشرفت ایرانی اسلامی را



تصویر ۴. الگوی توالی زمانی گام‌های تحقق تمدن اسلامی ایرانی

جدول ۱. شخصیت‌های تأثیرگذار در عصر روشنگری و حیطه فعالیت‌ها و آثار آن‌ها

شماره	نام	حیطه فعالیت	آثار
۱	ابراهیم کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۲	میرزا یونس	فلسفه سیاسی	فلسفه
۳	میرزا آقاخان کرمانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۴	میرزا تقی خان فاضل‌نور	فلسفه سیاسی	فلسفه
۵	میرزا حسن خان طبرسی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۶	میرزا محمد تقی خاکی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۷	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۸	میرزا آقاخان خانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۹	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۰	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۱	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۲	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۳	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۴	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۵	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۶	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۷	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۸	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۱۹	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه
۲۰	میرزا حسن خان کاشانی	فلسفه سیاسی	فلسفه

افتخارشناس												
روزنامه‌نگار												
شیمی												
زندگی‌نامه‌نگار												
آهنگار												
سباح												
نابشر												
حکایتی												
اقتصاد سیاسی												
کشتی												
ستاره‌شناسی												
زیست‌شناسی												
چالورشناسی												
چهره‌ای												
مردم‌نگاری												
موسیقی‌شناسی												
علم معانی بیان												
منتقد ادبی												
آهنگار												
کیهان‌شناسی												
الیهات												
انگساز												
اقتصاددانان												
فناپژنان، مهندسی												
حقوق												
دانشمند، تجزیه‌ی												
شعر												
زبان‌شناسی												
فیزیک												
ریاضی												
فلسفه سیاسی												
تاریخ												
سیاست‌مدار												
نوین‌فکر												
فلسفه												
تورمها (اسمال تورم)												
	ایتالیا	موناکو	آلمان	آلمان	نروژ	ایرلند		فرانسه	فرانسه	فرانسه	اسکاندیناوی	بریتانی
	(۱۶۶۸-۱۷۳۴)	(۱۶۶۳-۱۷۳۳)	(۱۶۳۶-۱۷۳۳)	(۱۶۳۶-۱۷۵۴)	(۱۶۲۶-۱۷۵۴)	(۱۶۸۵-۱۷۵۳)	(۱۶۸۸-۱۷۳۳)	(۱۶۸۹-۱۷۵۵)	(۱۶۹۱-۱۷۳۴)	(۱۶۹۲-۱۷۷۸)	(۱۶۹۵-۱۷۸۲)	(۱۶۹۱-۱۷۸۲)
	دیمیتریه کاتیسیر	بوسهر	کرستین وولف	لودیگ هورلرک	جورج برکل	امانول سویدنیگ	متسکیو	فرنسا کیهانی	ولتر	هنری هوم	مارکوس پوسال	
	۱۶۸۰ تا ۱۶۹۰	دوره دوم					۱۶۸۰ تا ۱۷۰۰	دوره سوم				

زنگنه نام‌نگار	سیاحت	ناتشر	حکاکی	اقتصاد سیاسی	کنش‌بین	ستاره‌شناسی	زیست‌شناسی	چهارشناسی	مردم‌نگاری	موسیقی‌شناسی	علم معانی بیان	منتقد ادبی	آموزگار	گیا‌فشناسی	الهیات	آمک‌ساز	اقتصاددان	زمانی‌شناسی و تاریخ	حقوق	دانشمند تجربی	شمار	زبان‌شناسی	فیزیک	ریاضی	فلسفه سیاسی	تاریخ	سیاست‌مدار	نویسنده	فلسفه
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	
•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	

نویسنده (اسامی توافقی)

فرانسه (۱۷۴۳-۱۷۰۶) آمریکا (۱۷۰۶-۱۷۸۴) سوئد (۱۷۸۴-۱۷۰۶) فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۰۶) اسکاتلندی (۱۷۸۴-۱۷۰۶) روسیه (۱۷۸۴-۱۷۰۶) اسکاتلندی (۱۷۸۴-۱۷۰۶) کره‌ای (۱۷۸۴-۱۷۰۶) ایتالیایی (۱۷۸۴-۱۷۰۶) سوئیس (۱۷۸۴-۱۷۰۶) ژان ژاک روسو (۱۷۸۴-۱۷۰۶) فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۰۶) اسکاتلندی (۱۷۸۴-۱۷۰۶)

پنج‌مین فرانکلین امیلی دوامتله کارل لینه بوآفون توماس رید میخائیل لوموسوف جورج چهارم ۱۷۰۰ تا ۱۲۰۰

اقتصادسناس									
روزلنامه‌نگار									
شیمی									
زندگی‌نامه‌نگار									
آموزگار									
سیاح									
نابزر									
حکامی									
اقتصاد سیاسی									
کشیش									
ستاره‌شناس									
زیست‌شناس									
چالورشناس									
چهره‌ای									
مردم‌نگاری									
موسیقی‌شناس									
علم‌هائی بیان									
منتقد ادبی									
آموزگار									
گیاه‌شناس									
الهیات									
امته‌نگار									
اقتصاددان									
فناپیشه‌مردوس									
حقوق									
دانشمند تجزیه									
شعر									
زبان‌شناسی									
فیزیک									
ریاضی									
فلسفه سیاسی									
تاریخ									
سیاست‌مدار									
نویسنده									
فلسفه									
ژورنال (اسناد تولد)									
	روسیه	فرانسه	اسکاندیناوی	آلمان	سوئیس	سوئیس	آلمان	آلمان	ایرلند
	(۱۷۱۵-۱۷۸۱)	(۱۷۸۳-۱۸۷۸)	(۱۷۳۳-۱۸۱۸)	(۱۷۳۳-۱۸۰۴)	(۱۷۳۶-۱۷۷۵)	(۱۷۳۶-۱۸۰۱)	(۱۷۳۹-۱۷۸۱)	(۱۷۳۹-۱۷۸۵)	(۱۷۳۹-۱۷۸۷)
	الکساندر سوماروکوف	بارون دوپانچ	آدم اسمیت	ایمانوئل کانت	زاکاریا آرفه‌لین	یوان رابنچ	گوته‌ولد افرام لسیگ	موسی متلسون	اموند برک
	دوره چهارم: ۱۷۰۰ تا ۱۷۳۰					دوره پنجم: ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰			

اقتصاد سیاسی	•								
کنش‌های									
سیاست‌شناسی									
چهارشناسی									
چهره‌آفرینی									
مردم‌رنگاری									
موسیقی‌شناسی									
علم معانی بیان									
معتقد ادبی									
اموزگار									
کی‌اف‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌ت‌t									
الهیات									
آمنه‌ساز									
اقتصاددانان									
نمایشنامه‌نویسی									
حقوق									
دانشنامه تجزیه									
شعر									
زبان‌شناسی									
فوزیک									
ریاضی									
فلسفه سیاسی									
تاریخ									
سیاست‌مدار									
نو‌پرسنده									
فلسفه									
تورمده (سال تولد)									

فیلاد سولد	(۱۸۰۳-۱۲۳۹)	مکرزک	(۱۷۸۷-۱۲۳۱)	ایرونی	(۱۸۰۹-۱۲۳۲)	لیستن	(۹۴-۱۲۳۲)	چک	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	روسه و آلمان	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	فلسفه تاریخ	والتیسلاو	نوره پنجمه	۱۲۳۰ تا ۱۲۳۰	لیستن	(۱۲۳۵-۱۲۳۵)	ایقالتا فرانسه	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	اککاستان	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	امواره گیمون	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	ایتالیا	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)	لوچین	(۱۲۳۲-۱۲۳۲)
		فورانچو سکو چاور کلاویچرو		جوزف هالین		پوتانوسکی		چک		فلسفه تاریخ		والتیسلاو		نوره پنجمه		کراسکی		ایقالتا فرانسه		اککاستان		امواره گیمون		ایتالیا		لوچین	

اقتضای روزنامه‌نگار شیمی																					
زندگی‌نامه‌نگار اموزگار سباح نابزر حکاکی																					
اقتصاد سیاسی کشیش ستاره‌شناس زیست‌شناس چالروشناس چهره‌الی مردم‌نگاری موسیقی‌شناس علم معانی بیان منتقد ادبی اموزگار گیاه‌شناس الهیات انتگم‌ساز اقتصاددان																					
فناپیشه‌م‌نویس حقوق دانشمند، تئوری شعر زبان‌شناسی فیزيك ریاضی فلسفه سیاسی تاریخ سیاست‌مدار نویسنده فلسفه																					
دوره‌ها (اسامی تولد)	انگلیس آمریکا (۱۸۰۹-۱۸۳۳)	آلمان (۱۷۶۶-۱۷۴۸)	ایتالیا (۱۷۸۴-۱۷۴۸)	صربستان (۱۸۱۱-۱۷۳۱)	اسکانلند (۱۷۸۵-۱۷۳۰)	فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	روسیه (۱۸۱۱-۱۷۳۳)	آمریکا (۱۸۷۶-۱۷۳۳)	روسیه (۱۷۸۲-۱۷۳۳)	انگلیس آمریکا (۱۸۷۶-۱۷۳۳)	روسیه (۱۸۸۲-۱۷۳۳)	آمریکا (۱۸۸۱-۱۷۳۳)	روسیه (۱۸۱۱-۱۷۳۳)	ایتالیا (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	صربستان (۱۸۱۱-۱۷۳۳)	اسکانلند (۱۷۸۵-۱۷۳۰)	فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	فرانسه (۱۷۸۴-۱۷۳۳)	روسیه (۱۸۱۱-۱۷۳۳)
	توماس پین	توماس ایست	جزیره باکارا	دوستیچ لویلاویویچ	جیمز باسول	مازی دو کندورسه	آنتوان لاووزیه	اکترینا تاشکوکوا	توماس جیفرسون	دنس فونتیرین	توماس پین	دوره فلسفه؛ ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰	توماس پین	توماس ایست	دوره فلسفه؛ ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰	توماس پین	توماس ایست	توماس پین	توماس ایست	توماس پین	توماس ایست

فلسفه	
نویسنده	
سیاست‌مدار	
تاریخ	
فلسفه سیاسی	
ریاضی	
فیزیک	
زبان‌شناسی	
شعر	
دانشمند تجزیه‌ی	
حقوق	
نمایشنامه‌نویس	
اقتصاددان	
آهنگساز	
الهیات	
گیاه‌شناسی	
آموزگار	
منتقد ادبی	
علم جهانی بیان	
موسیقی‌شناسی	
مردم‌نگاری	
چهره‌آفرینی	
چانورشناسی	
زیست‌شناسی	
ستاره‌شناسی	
کشیش	
اقتصاد سیاسی	
حکاکی	
ناتور	
سیاح	
ناتور	
نظمی	
روزنامه‌نگار	
فلسفه‌شناسی	

- آلمان (۱۷۳۳-۱۸۰۳)
- اسپانیا (۱۷۳۳-۱۸۱۱)
- روسیه (۱۷۳۳-۱۸۱۸)
- نیکولای نیکولوف (۱۷۳۳-۱۸۱۸)
- فرانسه (۱۷۳۳-۱۷۹۲)
- الیب دکوز (۱۷۳۳-۱۷۹۲)
- ایتالیا (۱۷۳۳-۱۷۹۴)
- آلمان (۱۷۳۳-۱۸۰۳)
- روسیه (۱۷۳۳-۱۸۰۳)
- آلمان (۱۷۳۳-۱۸۳۳)
- یوهان ولکانک کوزه‌کش (۱۷۳۳-۱۸۳۳)
- آلمان (۱۷۳۳-۱۸۱۲)
- لهستان (۱۷۵۰-۱۸۱۲)
- موزو کولتی (۱۷۵۰-۱۸۱۲)
- آمریکا (۱۷۵۱-۱۸۳۶)
- جیمز مدیسون (۱۷۵۱-۱۸۳۶)
- دوره ششم، ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰

دورهها (سال تولد)	فلسفه تولیدکننده سیاستمدار	فلسفه سیاسی ریاضی	فیزیک زبان‌شناسی شعر	دانشمند تجربی حقوق	نمایشنامه‌نویس اقتصاددان	ایده‌پرداز اجهات	آموزگار متفکر ادبی	موسیقی‌شناس علم معانی بیان	مردم‌نگاری جغرافی	جانب‌دینانی زیست‌شناسی	ستاره‌شناسی کشیش	اقتصاد سیاسی حکاکی	روزنامه‌نگار نمایش زندگی‌نامه‌نگار آموزگار سیاح نابیر	لغت‌شناسی روزنامه‌نگار نمایش زندگی‌نامه‌نگار آموزگار سیاح نابیر
آسیا (۱۸۰۴-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۰۸-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
ایریش (۱۷۸۱-۱۷۵۶)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
بریتانیا (۱۷۹۷-۱۷۵۹)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۷۸-۱۷۶۰)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
آسیا (۱۸۰۴-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۰۸-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
ایریش (۱۷۸۱-۱۷۵۶)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
بریتانیا (۱۷۹۷-۱۷۵۹)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۷۸-۱۷۶۰)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
آسیا (۱۸۰۴-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۰۸-۱۷۵۵)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
ایریش (۱۷۸۱-۱۷۵۶)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
بریتانیا (۱۷۹۷-۱۷۵۹)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•
اسپانیا (۱۸۷۸-۱۷۶۰)	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•	•



تصویر ۵. الگوی ماریچج تکاملی تمدن

(سال تولد و فوت) و مکان تولد و زندگی آن‌ها در جدول شماره ۱ قید شده است.

با استفاده از جدول شماره ۱، یک تحلیل زمانی انجام می‌دهیم. از آنجا که اشخاص به ترتیب زمانی آورده شده‌اند، جدول برای ما یک خط زمان^۳ می‌سازد و به خوبی نشان می‌دهد که آیا تمدن غرب در عصر روشنگری به صورت گام به گام بوده و حیطه‌های فعالیت یکی پس از دیگری مطرح شده‌اند یا خیر؟!

بنابراین از روش‌های مورد پژوهی، مطالعه تاریخی و اسنادی در این پژوهش استفاده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. هم‌زمانی تحول در حوزه‌های مختلف تمدنی

زندگی، آثار و فعالیت‌های شخصیت‌های تأثیرگذار در عصر روشنگری (از ۱۶۵۰ تا ۱۸۰۰ میلادی) در غرب مورد بررسی قرار گرفتند. اگر تحولات این جوامع مطابق نظریه‌های توالی زمانی پیش رفته باشد، قاعدتاً می‌بایست ابتدا فلاسفه ظهور پیدا کرده باشند، سپس دانشمندان تجربی، پس از آن مردان فناوری و صنعت والی آخر.

اطلاعات به‌دست‌آمده از این بررسی در یک جدول خلاصه شده است. در ضلع عمودی جدول اسم هریک از شخصیت‌ها که تعداد آن‌ها به هشتاد

خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. تمدن غرب در چند سده اخیر از طریق مورد پژوهی بررسی شد، اما تمدن غرب می‌بایست قابل بررسی نیست؛ بنابراین می‌بایست از چند سده و از میان دوره‌های مختلف دست به انتخاب می‌زدیم.

تمدن غرب شامل دوره‌های رنسانس، عصر خرد، عصر روشنگری و عصر مدرن است و هر کدام از این دوره‌ها را می‌توان یک سازه تمدنی به حساب آورد به این معنا که در هر کدام از این دوره‌ها میان ابعاد مختلف فلسفی، علمی، صنعتی، اقتصادی و... تمدن می‌توان تناسب و هماهنگی مشاهده کرد و به همین دلیل آن را به عنوان دوره‌ای مجزا عنوان کرده‌اند. از میان دوره‌های مختلف، عصر روشنگری را انتخاب کرده‌ایم.

پس از آن شخصیت‌های تعیین‌کننده در عصر روشنگری و زندگی و آثار آن‌ها را از طریق منابع موجود، به‌ویژه دایره‌المعارف عصر روشنگری (۲۰۰۴) مورد مطالعه قرار دادیم. تعداد این شخصیت‌ها نزدیک به نود نفر هستند. فعالیت‌ها و آثار این اشخاص از حیث رشته علمی، حوزه و زمینه فعالیت و سهم آن‌ها در عصر روشنگری بررسی شد. نتیجه این بررسی در قالب یک جدول به صورت خلاصه تهیه شد که در ردیف افقی حیطه‌های مختلف فعالیت و در ستون عمودی نام و نام خانوادگی هریک از شخصیت‌ها آورده شده است. همچنین دوره حیات

3. Time line

و چهار نفر می‌رسد، عنوان شده و در ضلع افقی، انواع مشاغل، فعالیت‌ها و حوزه‌های کاری و علمی و اجرایی در نظر گرفته شده است. هریک از شخصیت‌ها اگر در زمینه معینی فعالیت داشته‌اند، مربع مربوطه، علامت‌گذاری شده است. حاصل امر در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

افرادی که در جدول شماره ۱ نام برده شده‌اند، جزء شخصیت‌هایی هستند که فعالیت‌های آن‌ها در شکل دادن و متمایز کردن این دوره و شناخته شدن آن به عنوان عصر روشنگری نقش داشته‌اند. اولین برداشت از جدول شماره ۱ آن است که در عصر روشنگری، فعالیت این شخصیت‌ها در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها، به گونه‌ای هم‌زمان صورت گرفته است. این‌طور نبوده که در یک دوره فلسفه کار شود و پس از اتمام آن به سراغ علم بروند و پس از آن به سراغ صنعت بروند و الی آخر، بلکه در همان زمانی که یک اثر فلسفی ارائه می‌شود، یک اثر هنری یا حقوقی نیز ارائه می‌شود و هم‌زمان با آن یک اختراع ثبت می‌شود.

برای فهم بهتر این موضوع و هم‌زمانی شاخه‌ها و حوزه‌های مختلف، دو قرن هفدهم و هجدهم را به ده دوره بیست ساله تقسیم کرده و فعالیت شخصیت‌های تعیین‌کننده که در هر بیست سال به دنیا آمده‌اند و هم‌زمان بوده‌اند را بررسی کرده‌ایم.

دوره اول: سال‌های ۱۵۶۰ تا ۱۶۶۰؛ در همان زمانی که اسپینوزا کتاب اخلاق، لاک نظریه ذهن (تخته پاک) و بکر جهان افسون‌شده را در حیطه فلسفه ارائه کردند، ایزاک نیوتن نظریه خود با عنوان قانون جهانی جاذبه را در زمینه فیزیک ارائه می‌کند (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره دوم: سال‌های ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۰؛ به جز

کریستین وولف که تنها فیلسوف بود، بوهمر در زمینه حقوق کار کرد. وی قانون کلیسا را در کتاب «قانون کلیسای پروتستان» اصلاح کرد و با کتاب مقدمه‌ای بر قانون اساسی، قانون مدنی آلمان را از سیطره قانون روم خارج کرده و زمینه‌ای برای تهیه قانون دولت‌های پروس فراهم کرد. کسی مانند دیمیتریه کانتیمیر (شاهزاده مولداوی) در زمینه تاریخ، کتاب تاریخ رشد و افول امپراطوری عثمانی را می‌نویسد و در زمینه جغرافی کتاب شرح حال مردم مولداوی که شرح جغرافیایی، اقتصادی و مردم‌نگارانه مردم مولداوی بوده را منتشر می‌کند. همچنین وی در آهنگ‌سازی و زبان‌شناسی نیز فعالیت داشته است (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره سوم: سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۷۰۰؛ در این دوره، تعداد فیلسوفان بیشتر بود، اما در همان زمان جورج برکلی که خود نیز فیلسوف بود، کتابی در زمینه فیزیک و در نقد نظریه نیوتون درباره حرکت می‌نویسد و نیز در ریاضیات، نقد مبانی حساب دیفرانسیل را در کتاب تحلیل‌گر انجام می‌دهد. هولبرگ نمایش‌نامه‌های خود مانند قالب پارچ سیاسی را در سال‌های ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳ برای تئاتر گراندگاد در کپنهاگ می‌نویسد. همچنین وی به عنوان مؤسس ادبیات نوین دانمارکی و نروژی شناخته می‌شود.

هنری هوم یک حقوق‌دان بود. در مورد نقش دارایی در جامعه و سیاست، رساله در باب موضوعات مختلف آثار باستانی بریتانیا را نوشت و درباره مراحل تاریخ بشر و نیاز به قانون، دو کتاب روند تاریخی قانون و طرحی در باب تاریخ بشر را می‌نویسد. مارکوس پومبال یک سیاست‌مدار و (معادل کنونی) نخست‌وزیر پرتغال و آلگوارو در ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۷ بود. شهرت او به خاطر مدیریت بحران‌های پس از زلزله

این دوره، آدام اسمیت در کنار کارهای فلسفی کتاب ثروت ملل را که یک اثر اقتصادی است، منتشر می‌کند. رایبیچ و زاخریا اُرفه‌لین از نمایندگان ادبیات سبک باروک در صربستان بودند. گوتتهولد افرایم لسینگ نمایش‌نامه‌نویس است. او تلاش کرد تئاتر ملی آلمان را تأسیس کند و درام‌های او مانند دوشیزه سارا سامپسون و امیلیا گالوتی بسیار مؤثر بوده است. وی منتقد ادبی نیز بود و بر ادبیات آلمانی بسیار تأثیر گذاشت. از آثار او در نقد ادبی لائوکوئون بود.

جوزف هایدن آهنگ‌ساز بوده و او را پدر سمفونی می‌دانند. وی استاد بتهوون بوده است. ژوزف لویی لاگرانژ در ریاضیات، رساله مکانیک تحلیلی و حل معادلات عددی در زمینه نظریه اعداد را می‌نویسد. در فیزیک، گالوانی را از پیش‌تازان بیوالکتریک که در مطالعه الگوهای الکتریکی و امواج نظام عصبی به کار می‌رود، می‌دانند. دوسیچ اوبرادوویچ زبان‌شناس بود و مؤسس ادبیات جدید صرب به شمار می‌رود. همچنین وی جزء رجال سیاسی و اولین وزیر آموزش و پرورش صرب بود. او نخستین مدرسه عالی صربی را تأسیس کرد که اکنون به نام دانشگاه بلگراد شناخته می‌شود.

فلسفه کانت و هگل و به نوعی تفکر روشنگری، از طریق همین دانشگاه به دانشجویان صرب منتقل شد. باسول به دلیل نوشتن زندگی‌نامه‌هایش مشهور است. اصلی‌ترین آن‌ها زندگی ساموئل جانسون است (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره ششم: سال‌های ۱۷۴۰ تا ۱۷۶۰؛ از میان شخصیت‌های این دوره لاووازیه در شیمی کاشف اکسیژن و هیدروژن به شمار می‌رود. در کنار ادیب و فیلسوفی مانند یوهان ولفگانگ گوته و دیوان اشعارش، فاوست، توماس جفرسون یک

۱۷۵۵ بود و نیز سبک معماری که پس از این زلزله به نام اوست.

سیاست‌های اصلاح اقتصادی او در تنظیم فعالیت‌های تجاری و استاندارد کردن کیفیت در کشور پرتغال در تضعیف تفتیش عقاید نقش داشت. اصلاحات اساسی اقتصادی، مدیریتی، آموزشی و اصلاحات او در کلیسا نقش زیادی در سکولاریزاسیون داشت. فرانسوا کینای با آثار اقتصادی مانند جدول اقتصادی مبنای اندیشه فیزیوکرات‌ها را فراهم می‌کند.

همچنین ولتر کسی است که به انتقاد از کلیسای کاتولیک، دفاع از آزادی مذهبی، آزادی بیان و جدایی دین از سیاست شهرت دارد که این کار را با روش‌های گوناگون مانند رمان، شعر، نمایش‌نامه، کارهای علمی و تاریخی انجام داد (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره چهارم: سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۰؛ در کنار کار فلسفی دیوید هیوم و طرح اراده آزاد در رساله‌های در باب طبیعت بشری و گفت‌وگو پیرامون دین طبیعی، امیلی دوشاتله در فیزیک مبنای کشف اشعه مادون قرمز را در مقاله خود پی‌ریزی کرد. در همان زمان کارل لینه به فیزیک، گیاه‌شناسی و جانورشناسی پرداخت. وی بنیانگذار نام‌گذاری علمی و پدر نظام امروزی طبقه‌بندی گیاهان و جانوران شناخته می‌شود. نظام طبیعت، گونه‌های گیاهان و جنس گیاهان از آثار شناخته شده او هستند.

جیمز برنت، بنیان‌گذار زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی است و کتاب ریشه و فرایند زبان را نوشت. الکساندر سوماروکوف تئاتر کلاسیک را در روسیه خلق کرد. از نمایش‌نامه‌های شناخته‌شده او نمایش‌نامه خووف بود (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره پنجم: سال‌های ۱۷۲۰ تا ۱۷۴۰؛ از متولدین

انسان» منتشر کرد. همچنین واسیلی کارازین، مؤسس وزارت آموزش ملی در روسیه و مؤسس دانشگاه خارکیف است (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ تقدم و تأخری میان حیطه‌های مختلف معرفتی و علمی وجود ندارد، بلکه در همان زمانی که آثار فلسفی نوشته می‌شوند، اکتشافات شیمی و فیزیک ارائه می‌شوند. در همان زمانی که نمایش‌نامه‌ها خلق می‌شوند و روی پرده می‌روند، دانشگاه‌ها و مدارس و نظام‌های آموزشی تأسیس می‌شوند. در همان زمانی که نظریه‌های اقتصادی طرح می‌شوند، رجال سیاسی در عمل سیستم‌های اقتصادی را راه‌اندازی می‌کنند.

مطلب بعد آنکه، شخصیت‌های عصر روشنگری و فعالیت‌های آن‌ها به کشورهای محدود اختصاص نداشت. این حرکت در کل کشورهای اروپایی جریان پیدا کرد. به عنوان نمونه، جان لاک از انگلستان، لایبنتس از آلمان، پیتر بل از فرانسه، ویکو از ایتالیا، هولبرگ از نروژ، برکلی از ایرلند، هوم از اسکاتلند، لومونسف از روسیه، روسو از سوئیس، ارفه لین از صربستان، پونیاتوسکی از لهستان بودند، نه تنها از اروپا، بلکه عصر روشنگری شخصیت‌های تأثیرگذار از کشورهای آمریکای شمالی و حتی آمریکای جنوبی داشت، مانند فرانکلین از آمریکا، کلاویجرو از مکزیک و فرانیکا از پاراگوئه بودند. گویی که در کل اروپا و آمریکا حرکتی ایجاد شده بود.

۲-۳. الگوی مارییج تکاملی تمدن غربی

اولاً: آنچه به نام فلسفه غرب و به طور خاص فلسفه روشنگری می‌شناسیم، توسط اشخاصی که در مقاطع زمانی گوناگون زندگی می‌کردند ساخته شد. این‌طور نبود که مثلاً ربع اول دو قرن هفدهم و هجدهم عده‌ای به فلسفه پرداخته باشند و پس از

سیاست‌مدار بود. وی نویسنده اصلی بیانیه استقلال آمریکا و از بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود. فرانچسکو ماریو پاگانو یک حقوق‌دان بود و مدرسه حقوقی ناپل را تأسیس کرد. همچنین از جمهوری خواهان ایتالیا بوده و قانون اساسی جمهوری ناپل (۱۷۹۹) را نوشت. لیندرو فرناندز د موراتین نمایش‌نامه‌نویس بود و اولین نمایش‌نامه او پیرمرد و دختر جوان بود.

همچنین کمی زودتر دگوژ اولین نمایش‌نامه خود با عنوان زمره و میرزا را در سال ۱۷۸۴ که ضدبرده‌داری بود، منتشر می‌کند. دگوژ فعال سیاسی نیز بود و جزء اولین کسانی بود که در پی تساوی حقوق زن و مرد بوده و بیانیه‌ای در این زمینه منتشر کرد. جاکومو لئوپاردی شاعر و لغت‌شناس بود و از مجموعه اشعار او کانتی است. ولفگانگ آمادئوس موتزارت آهنگ‌ساز مشهور همان دوره است. خوزه سلستینو موتیس به تحقیقات تجربی در باب گیاه‌شناسی، جمع‌آوری گونه‌های متعددی از گیاهان و ثبت اطلاعات و مشخصات آن‌ها پرداخت.

الکساندر همیلتون حقوق‌دان و اقتصاددانی است که نقش اصلی را در نگارش مجموعه مقالات فدرالیست - اثر بسیار تأثیرگذار بر تدوین قانون اساسی و نظام حکومتی ایالات متحده - داشت. وی همچنین اولین نویسنده سیاست‌های اقتصادی جورج واشنگتن، مؤسس بانک ملی آمریکا و مؤسس نخستین حزب سیاسی آمریکا بود (ریل و ویلسون، ۲۰۰۴).

دوره هفتم: سال‌های ۱۷۶۰ تا ۱۸۰۰؛ ویلهلم فون هومبولت در زمینه آموزش و پرورش کار کرد. او وزیر آموزش بود و معمار نظام آموزشی پروس به شمار می‌رود. وی مؤسس دانشگاه برلین است. همچنین کتابی در زمینه آموزش با عنوان «نظریه آموزش

تصویر شماره ۵، تصویری از مفهوم مارپیچ تکاملی را نشان می‌دهد. فلسفه، علم، فناوری، صنعت، اقتصاد، سیاست، هنر، حقوق و... مانند مفتول‌هایی هستند که به همراه پیچش در همدیگر به جلو حرکت می‌کنند. پس از گذر زمان، یک تنه و شکل واحد به نام عصر روشنگری، شکل می‌گیرد که حاصل همین درهم‌تنیدگی و تأثیر و تأثر حیطه‌ها و حوزه‌های مختلف در طول زمان است و به آن سازه‌گونه‌گی را می‌بخشد.

حاصل پیچش علم، فلسفه، اقتصاد، ادبیات، موسیقی و... به دور یک محور آن است که می‌بینیم، میان نظریه‌ای در فیزیک، با یک اختراع فنی تناسب وجود دارد و هر دو با یک نظریه اقتصادی و هر سه با یک شاهکار ادبی در یک دوره زمانی تناسب وجود دارد. این تناسب موضوعی است که برونوسکی در کتاب عقل سلیم علم به زیبایی در مورد علم و تناسب محتوای آن در دوره‌های مختلف با اخلاقیات، ادبیات و... نشان می‌دهد (برونوسکی، ۱۳۷۶).

محور مشترک حوزه‌های مختلف چگونه ایجاد می‌شود؟

اما این محور از کجا می‌آید و این محور در کجای جامعه جای دارد؟ آیا واقعا محوری جدای از جامعه و افراد آن وجود دارد؟ آیا کسی خارج از افراد و اندیشمندان جامعه محوری را تعیین می‌کند و آن‌ها شروع به حرکت دور آن می‌کنند؟ اگر دوباره عصر روشنگری را مرور کنیم، می‌بینیم در اروپای اواخر قرن ۱۷ و ۱۸، ولوله‌ای افتاده بود، همه‌مهای شده بود. هابز در انگلستان از اندیشه فلسفی می‌گوید، در آلمان بوهمر روی قانون کار می‌کند، لائوآوزه در فرانسه عناصر جدیدی در طبیعت کشف می‌کند، موتزارت در اتریش در آهنگ‌سازی تحول به وجود

آن به تولید علوم یا دیگر حیطه‌ها پرداخته باشند. همان‌طور که در اوایل اسپینوزا (۱۶۳۷ تا ۱۶۷۷) آرای فلسفی مطرح می‌کند، کانت (۱۷۲۴ تا ۱۸۰۴) در میانه این دوره و هومبولت (۱۷۶۷ تا ۱۸۳۵) در اواخر آن پازل فلسفی روشنگری را تکمیل می‌کنند.

همین‌طور می‌توان درباره دستاوردهای علمی این دوره این سخن را تکرار کرد. همان‌گونه که نیوتن (۱۶۴۲ تا ۱۷۲۷) در اوایل، در زمینه فیزیک و ریاضیات ظهور می‌کند، لائوآوزه (۱۷۴۳ تا ۱۷۹۴) در اواخر در علم شیمی کشفیات خود را ارائه می‌کند. به همین ترتیب در زمینه‌های اقتصاد، حقوق، هنر، معماری، سیاست و سایر حیطه‌های عصر روشنگری می‌توان گفت، هر کدام از آن‌ها مانند پازلی بوده‌اند که تکه‌های آن در زمان‌های مختلف چیده شده‌اند. در هر مقطع زمانی، که در اینجا مقاطع بیست ساله در نظر گرفته شده است، همه پازل‌ها با همدیگر و هم‌زمان در حال تکمیل شدن هستند.

در همان زمانی که فلسفه در حال جلو رفتن است، فیزیک نیز متکامل می‌شود و در عین حال، حقوق رشد می‌کند و همچنین هنر و شعر و ادبیات نیز نمو دارد. این حرکت، مانند حرکت چند پیچک به دور یک محور است؛ پیچک فلسفه، پیچک فیزیک، پیچک شیمی، پیچک اقتصاد، پیچک سیاست، پیچک معماری، پیچک هنر، شعر، ادبیات و... همه با هم و در گردش دور یک محور، رشد و نمو و حرکت و تغییر و تکامل دارند. به همین لحاظ ماهیت یکپارچه و با خصیصه‌ای مشترک به نام عصر روشنگری شناخته می‌شوند و از عصر خردگرایی و عصر مدرن متمایز می‌شوند. پس از گذشت زمان دو قرن، آن وقت شکل و شمایل فلسفه روشنگری، علم روشنگری، اقتصاد روشنگری و... نمایان می‌شود و هیچ‌یک از ابتدا معلوم و روشن نبود.

می‌آورد، همیلتون از معماران اقتصادی و سیاسی حکومت ایالات متحده آمریکا است و نیز کارازین در روسیه در آموزش، تحول می‌آفریند. این ولوله، مهمه، حرکت و جنب‌وجوش چیزی است که بعدها روشنگری نام می‌گیرد، اما در همان زمان چگونه در این مسیر می‌افتد؟ چگونه آن محور، متمایز می‌شود؟

در اسلام مفهومی به نام تغییر قضا و قدر داریم که انسان با اعمال، افکار و گفتار خود می‌تواند قضا و قدر محتوم را نیز تغییر دهد، یعنی در هر لحظه تصویر و افق پیش رو و چشم‌انداز محتوم پیش روی انسان تحت تأثیر عمل او در این لحظه تغییر می‌کند و انسان پا در وادی جدیدی می‌نهد. در این وادی جدید هر قدمی که برمی‌دارد، پیش‌رویش را تغییر می‌دهد. تا اینکه مجموع این لحظات و آنچه در آن‌ها به جایی گذاشته، به هویت و زندگی او شکل می‌بخشد. کُلْ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةً (سوره المدثر، آیه ۳۸).

این مفهوم را نمایش‌نامه‌نویس روس، آندری تارکوفسکی، به زیبایی در فیلم‌نامه استاکر بیان کرده است. عده‌ای پا در یک ساختمانی می‌نهند و بعد می‌خواهند از آن بیرون بیایند، اما مسئله این بود که این ساختمان این ویژگی را داشت که هنگامی که یک در را باز می‌کنند، می‌بینند کل صحنه عوض می‌شود، راه‌های پیش رو و حتی قبل نیز عوض می‌شد. صحنه پیش‌آمده کاملاً به انتخاب درب بستگی داشت (تارکوفسکی، ۱۳۹۴).

در جامعه نیز چنین است؛ لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ يَّيْنِ بَدْيِهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِّنْ وَالٍ (سوره الرعد، آیه ۱۱). پروردگار هیچ تغییری در

وضعیت اقوام صورت نمی‌دهد، مگر آنکه آن‌ها در خود تغییری ایجاد کنند. در تمدن‌ها نیز دقیقاً چنین اتفاقی می‌افتد. عده‌ای یک کاری را انجام می‌دهند، یک نظریه فلسفی می‌دهند یا یک ابزاری می‌سازند، این اندیشه در جامعه پراکنده می‌شود یا این ابزار در جامعه استفاده می‌شود، فضای جدیدی را ایجاد می‌کند، در این فضای جدید دوباره عده‌ای دست به انتخاب می‌زنند و همین‌طور این انتخاب‌ها، اگر در راه حق و صواب باشد، جامعه را در صراط مستقیم رشد می‌دهد و اگر در راه باطل باشد به انحراف می‌گراید.

اما هر کدام از این‌ها باشد، عناصری کلیدی وجود دارد، (۱) مردان و زنان نواندیش و دانشمند و (۲) تصمیم و اقدام آن‌ها برای تغییر بخشی از وضع موجود به هر مقداری که می‌دانند و می‌توانند و به سمتی که آن را صواب می‌دانند. این اقدام می‌تواند شامل فلسفه، سرودن شعر، نظریه علمی، اختراع و ابداع، سیاست‌های صحیح اقتصادی و اجتماعی تا تدوین قوانین متحول‌کننده و... باشد.

هیچ‌یک نمی‌توانند ادعا کنند که افق را دقیقاً می‌دانسته‌اند، شاید که در تصویری مبهم، آن هم با اختلافات زیاد مشترک بوده‌اند. هر یک آجری می‌سازد و روی آجرهای دیگران می‌گذارد و این خدا است که در نهایت، شکل ساختمان را تعیین می‌کند. وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (سوره العنکبوت، آیه ۶۹)

نتیجه آنکه برای احیای تمدن اسلامی، مهم نیست که از کجا شروع کنیم. مهم نیست که حتماً باید از فلسفه شروع کنیم و چارچوب‌های فلسفی اول شروع شود، بعد به دنبال تولید علم برویم. مهم این است که این ولوله در جامعه اسلامی بیفتد، این

سرایت کرد.

اما نکته دیگر آن است که از قضا استدلال اصحاب دیدگاه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برای تأکید بر مقدم بودن فلسفه و ضرورت طی شدن مراحل تمدن به صورت گام‌به‌گام این است که غرب نیز همین مراحل را به همین شیوه طی کرد، درحالی که نشان دادیم که در غرب این‌گونه نبوده است.

۳-۳. الزامات رویکرد ماریج تکاملی بر سیاست‌گذاری حکومت

این نوع شروع و این نوع نگاه، الزاماتی بر سیاست‌گذاری حکومت برای تحقق تمدن اسلامی ایرانی ایجاد می‌کند که با الزامات نگاه گام‌های متوالی جهت تحقق تمدن متفاوت است. در نگاه گام‌های متوالی، حکومت موظف است مدت زمانی را به حمایت از اشخاص، مؤسسات و کسانی بپردازد که فلسفه اسلامی ایرانی را تدوین کرده و عناصر آن را در حد توان تکمیل کنند تا مقدمه شکل‌گیری فلسفه علم اسلامی به وجود آید. پس از آن نیز مدتی به حمایت از فلسفه علم اسلامی خواهد پرداخت تا به اتمام برسد و همین طور تا گام‌های تحقق تمدن اسلامی ایرانی به انتها برسد. به عبارت دیگر، از این نگاه در ابتدا امکان‌پذیر نیست که علم اسلامی به وجود آید؛ بنابراین حکومت هم نمی‌تواند درباره آن کاری انجام دهد.

اما با نگاه ماریجی مسئله چگونه می‌شود؟ اگر به سراغ تمدن غربی برویم، در غرب، ورود حکومت به عرصه توسعه و تمدنی و در یک کلمه سیاست‌گذاری پس از یک دوره طولانی جوشش خود جامعه در زمینه‌های گوناگون، مثل علم، فناوری، صنعت، اقتصاد و... و اقدامات پراکنده‌ای که توسط مردم و شرکت‌های خصوصی انجام شد، به اینجا رسیدند که

همه‌به‌به وجود آید، این حرکت و جنب‌وجوش که نوعی انگیزه مشترک مبهم که جوهره آن را عزت اسلام و مسلمانان تشکیل می‌دهد، ایجاد شود و راه بیفتد

اشکالی که برخی خوانندگان ظریف‌بین ممکن است وارد کنند، آن است که هدف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در انداختن طرحی نو است که دارای هدف و ابزارهای متفاوت برای جامعه بشری است؛ بنابراین الگو گرفتن از مسیر طی شده توسط جامعه غربی نقض غرض است.

در پاسخ باید گفت، تمدن غرب در این مقاله به عنوان نمونه‌ای از تمدن‌های بشری آمده است. ما معتقدیم که همه تمدن‌ها فارغ از اهداف و ابزارها، از قواعد کلی مشابهی پیروی می‌کنند. این شباهت به دلیل آن است که همه کشورهای مختلف، جوامع بشری هستند. ماهیت انسان و اجتماعات انسانی، اقتضائاتی دارد که در میان کشورها و تمدن‌های مختلف تفاوت نمی‌کند. کما اینکه پروردگار در قرآن کریم از سنن الهی حاکم بر کل جوامع بشری سخن می‌گوید. اگر سایر تمدن‌ها، از جمله تمدن اسلامی منتهی به قرن پنجم، مورد بررسی قرار گیرد، روند مشابهی را مشاهده خواهیم کرد، یعنی این‌گونه نبود که اول فلسفه اسلامی شکل بگیرد، بعد علم اسلامی و سپس صنعت و اقتصاد اسلامی و الی آخر، بلکه فلسفه در تمام این قرون در حال تحول بود، علم از ابتدا تا انتهای این دوره در حال تکوین بود و در سایر قسمت‌ها به همین منوال.

درواقع فلسفه، علم، اقتصاد، صنعت و... حول یک ماریج شکل گرفته و درهم تنیده بودند و تمدن آن زمان را شکل دادند. کما اینکه افول این تمدن نیز با افول یک قسمت شروع شد و به دیگر قسمت‌ها

لازم است دولت به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده این اقدامات و استفاده بهینه از آن‌ها برای توسعه وارد شود.

میردال، در کتاب «آن سوی دولت رفاه» می‌گوید، در کشورهای غربی اول برای مسائل گوناگون اقداماتی انجام شد، بعد به تدریج نیاز به هماهنگی و برنامه‌ریزی کلان پیدا شد. در واقع، بعد از اینکه کارها و اقدامات پراکنده و در موضوعات مختلف در سطح جامعه و توسط خود عوامل جامعه شکل گرفت، حکومت وارد مفهوم برنامه‌ریزی شد (کان، ۱۹۶۹، ۱۳ تا ۱۴). این سخن میردال به معنای آن است که در غرب ابتدا دانشمندان، فلاسفه، مخترعان، اقتصاددانان، سیاستمداران، هنرمندان و... کارها و اقدامات مختلفی انجام دادند و پس از مدت‌ها که از اقدامات مختلف آن‌ها گذشت، حکومت وارد شده و در قالب سیاست‌گذاری، به عنوان هماهنگ‌کننده این اقدامات عمل کرد.

شرایط اکنون ما با دوره روشنگری فرق می‌کند. بشر تجربیات زیادی را در خصوص توسعه پشت سر گذرانده و می‌توانیم از این تجربیات استفاده کنیم. همچنین به هر حال اکنون دولت‌ها نقش بیشتری در سیاست‌گذاری بر عهده گرفته‌اند. در کشور ما این موضوع چه بسا بیشتر است. به هر حال هم تجربیات بشر، هم شرایط ما را به این نقطه رسانیده‌اند که دولت باید نقش زیادی در سیاست‌گذاری بازی کند و نمی‌تواند این موضوع را به حال خود رها کند.

با نگاه مارپیچی به تمدن اسلامی ایرانی، آنچه اهمیت دارد، به وجود آمدن آن موتور حرکتی و انگیزشی و جنب‌وجوش در میان دانشمندان، متفکرین، حقوق دانان، اقتصاددانان، رجال سیاسی، روحانیون، دانشگاه‌ها، مؤسسات و همه اقشار و

لایه‌های مؤثر در زمینه تمدن است.

با این نگاه و با توجه به اهمیت ورود حکومت به نقش سیاست‌گذاری، نقش حکومت آن است که این حرکت و جنب‌وجوش را ایجاد کند و این ولوله را در جامعه بیاندازد. حکومت حکم جرعه اولیه را برای آتش جامعه دارد و پس از آنکه این آتش گر گرفت و به تدریج سرتاسر جامعه را فرا گرفت، آن وقت به تدریج شروع به هدایت و هماهنگی آن برای رشد و پیشرفت می‌کند.

بنابراین اکنون هم باید حکومت وارد شود و هم اینکه این سیاست‌گذاری بتواند فرایند را کاتالیز کرده و تسریع ببخشد. آن هم این است که جوشش جامعه برای علم و فناوری و صنعت و اقتصاد در جهت اسلامی را تسریع کند، یعنی یک سری ویژگی‌های کلی توسعه اسلامی که تعیین شد، کفایت می‌کند و پس از آن حکومت مهم‌ترین اقدام و اولویت اولش این می‌شود که موجب جوشش و حرکت جامعه می‌شود. وقتی این آتش در جامعه گر گرفت، آن وقت شروع به باد زدن، مهار کردن و استفاده از انرژی آن می‌کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین امور در حرکت جدید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، روش و چگونگی رسیدن به آن است. در میان اندیشمندیانی که به این موضوع می‌پردازند، به نظر می‌آید این اندیشه غالب است که برای رسیدن به تمدن اسلامی ایرانی می‌بایست گام‌های معینی را طی کرد و این گام‌ها دارای توالی زمانی بوده و هریک را می‌توان پس از اتمام گام قبلی آغاز کرد. بررسی تاریخ تمدن غرب و به طور خاص عصر روشنگری نشان داد که فرایند تکاملی این تمدن این گونه نبوده است، بلکه بررسی زندگی، آثار،

خامساً: این حرکت و هویت متمایز ریشه در همه‌های داشت که در اروپا و آمریکا ایجاد شده بود و به همین دلیل در همه عرصه‌ها و در همه کشورها رنگ و رگه آن را می‌بینیم. از این رو برای ایجاد یک حرکت تمدنی جدید، به نام تمدن اسلامی ایرانی، نقش حکومت ایجاد ولوله و همه‌مه و برانگیختن جامعه در حرکت به سوی این تمدن است.

البته این حرکت در ایران با انقلاب اسلامی و نیز در سطح کشورهای اسلامی آغاز شده است، اما اگر حکومت این احیای صورت‌گرفته و انرژی و جنبش این حرکت را در زمینه‌های علم، فناوری، اقتصاد، هنر، حقوق و... هدایت کند، آنگاه می‌توان شاهد بروز این حرکت نوین در جامعه اسلامی بود و پس از چندین سال که این حرکت ایجاد شد، به تدریج به هماهنگی و هدایت آن در جهت رشد و پیشرفت بهینه کشور بپردازد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

اقدامات و فعالیت‌های شخصیت‌های تعیین‌کننده در عصر روشنگری نشان از الگوی مارپیچی تکاملی تمدن دارد. الگوی مارپیچی تکاملی برای عصر روشنگری و به طور کلی، تمدن غربی بدین معنا است که:

اولاً: این حرکت تمدنی از همه عرصه‌ها و حیطه‌ها، از فلسفه، علم، صنعت، اقتصاد، سیاست و... هم‌زمان آغاز شده است.

ثانیاً: در ادامه راه نیز حرکت و نمو همه این عرصه‌ها با هم و هم‌زمان صورت می‌گیرد؛ در همان زمانی که اندیشه فلسفی ارائه می‌شود، نظریه فیزیک و ریاضی تدوین می‌شود و در همان زمان در موسیقی و هنر تحول ایجاد می‌شود و الی آخر.

ثالثاً: اگر فلسفه‌های بعدها به نام فلسفه عصر روشنگری شناخته می‌شود، تکه‌های پازل آن در مقاطع زمانی مختلف کنار هم چیده شدند و این گونه نبود که یک دوره معین فقط به فلسفه روشنگری پرداخته شود و به اتمام برسد و بعد به سراغ حوزه و زمینه دیگر بروند، بلکه در همان زمان تکه‌های پازل علم، فناوری، صنعت و... نیز در حال تکمیل شدن بود. تصویر هرکدام از این حیطه‌ها بعدها متمایز شد و به عنوان فلسفه، علم، صنعت، فناوری و... مربوط به عصر روشنگری شناخته شد و از ابتدا چنین نقشه‌ای در سر هیچ اندیشمندی نبود.

رابعاً: نوعی تأثیر و تأثر میان همه حیطه‌ها و حوزه‌ها دیده می‌شود که حالتی از سازواره‌گونه بودن را میان آن‌ها ایجاد می‌کند، گویی که همه آن‌ها حول یک محور واحد، به مانند پیچک‌ها، در رشد و نمو هستند؛ بنابراین یک هویت و ماهیت متمایز به نام عصر روشنگری را شکل می‌دهند. این همان تناسب میان حوزه‌های مختلف است که برونوسکی (۱۳۷۶) از آن یاد می‌کند.

منابع فارسی

قرآن مجید.

برونوسکی، ج. (۱۳۷۶). عقل سلیم علم [ک. عزیزی. ترجمه فارسی]. تهران: نشر نی.

پیروزمند، ع. ر. (۱۳۹۲). پیش‌آمد و پس‌آمد الگوی توسعه اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۲(۳)، ۳۵-۷۸.

تارکوفسکی، آ. (۱۳۹۴). پنج فیلمنامه [م. اسلامی، م. محمد، ه. کپردار، ف. صاحب‌الزمانی و ن. ثمینی، ترجمه فارسی]. تهران: نشر نی.

تقوی، م. (۱۳۸۷). درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی ایرانی توسعه علم و فناوری. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۵۶)، ۷۳-۹۸.

خسروپناه، ع. (۱۳۹۰). الگوی حکمی اجتهادی علوم انسانی. جاویدان خرد، ۱(۱۹)، ۲۹-۶۶.

شریف‌زاده، م. ج. (۱۳۹۲). جایگاه تاریخ اقتصادی اجتماعی در روش‌شناسی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲(۲)، ۶۵-۹۲.

References

- Bronowski, J. (1997). *The common sense of science* [K. Azizi, Persian Trans]. Tehran: Nashr-e -Ney. <https://www.gisoom.com/book/1122238/%>
- Kahn, A. J. (1969). *Theory and practice of social planning*. New York: Russell Sage Foundation. https://www.google.com/books/edition/Theory_and_Practice_of_Social_Planning/a5O6AwAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Khosropanah, A. (2012). [Judicial-ijtihad model of humanities (Persian)]. *Sophia Perennis (Javidan Khirad)*, 8(19), 29-66. http://www.javidankherad.ir/article_32959.htm?lang=fa
- Pirozmand, A. R. (2018). [The ups and downs of the Islamic development model (Persian)]. *Iranian Pattern of Progress*, 2(3), 35-78. http://www.ipoba.ir/article_41585.html
- Wilson, E. J., & Reill, P. H. (2004). *Encyclopedia of the enlightenment*. New York: Facts On File, Incorporated. https://www.google.com/books/edition/Encyclopedia_of_the_Enlightenment/Utw6ngEACAAJ?hl=en
- Sharifzade, M. J. (2013). [On the role of the socio-economic history in the methodology of the Islamic-Iranian progress model (Persian)]. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 5(2), 65-92. https://ies.journals.isu.ac.ir/article_1453.html?lang=en
- Taghavi, M. (2008). [A basic and strategic review of Islamic-Iranian model of science and technology development (Persian)]. *Quarterly Journal of Methodology of Social Sciences and Humanities*, 14(56), 73-98. http://method.rihu.ac.ir/article_429.html?lang=en
- Tarkovsky, A. *Five screenplays* [M. Islami, M. Mohamad, H. Chapardar, F. Saheb zamani, N. Samini, Persian Trans]. Tehran: Nashr-e -Ney. <https://www.gisoom.com/book/11150449/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8/>